بررسی تأثیر قانون ممیزی حاکم بر مطبوعات کشور بر کیفیت نظارت همگانی
(با تأکید بر نقش مطبوعات استان هرمزگان)

آبتین امیری*

تاریخ دریافت:۹۴/۱۲/۰۹
تاریخ پذیرش:۹۴/۱۲/۰۹

چکیده

امروزه یکی از عوامل تأثیرگذار در آزادی های اساسی جوامع، میزان پایبندی آنها به آزادی مطبوعات است . میثاق‌های جهانی، آزادی مطبوعات را به عنوان یکی از معیارهای گسترش حق نظارت عمومی تعیین کرده ، و کشورهای عضو را به پذیرش تعهدات خود در این خصوص فراخوانده‌اند.

بررسی رابطه ی آزادی مطبوعات با حق نظارت همگانی، و تأثیر سانسور بر این حق موضوعی بوده که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است . در این تحقیق ضمن ارائه ی تعریف مطبوعات، جایگاه سانسور در قانون اساسی برخی کشورها ارزیابی شده و نواقص قانون مطبوعات و تأثیر سانسور بر آن، در ایرانمورد تحلیل قرار گرفته است.

در ادامه ی این تحقیق با بررسی میدانی در استان هرمزگان، تأثیر آزادی مطبوعات بر حق نظارت شهروندان در این استان مورد ارزیابی قرار گرفته است . در نهایت، نتیجه گیری شده که ایجاد تعادل میان قوانین نظارت بر مطبوعات و آزادی عمل مطبوعات، به رعایت هر چه بیشتر حق نظارت مردمی می‌انجامد.

کلید واژه ها:نظارت همگانی، قانون مطبوعات، آزادی های

*کارشناس ارشد .LAVAN1350@GMAIL.COM
حقوق،بندر خمیر

[Downloaded from rdch.ir on 2026-01-30]

مقدمه

طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دو نوع ابراز نظارتی برای کنترل دستگاه های دولتی وجود دارد؛ یکی از این ابزارها، نظارت های حاکمیتی است که توسط دستگاه های دولتی صورت می‌گیرد و دومین ابزار، نظارت همگانی است . هر چند که قانون اساسی ایران ابزارهای نظارت همگانی را شفاف نکرده است، اما از اصول مبتنی بر حقوق ملت و اصل آزادی بیان در قانون اساسی ایران، می توان برداشت کرد که رسانه ها و مطبوعات ابزارهایی هستند که امکان آگاهی بخشی عمومی و تحقق اصل نظارت همگانی را بر دولت و اجزای حاکمیت فراهم می‌کنند.

در مقابل، آزادی اندیشه و بیان در هیچ کشوری بدون محدودیت نیست و هر قانونی بنا به مصلحت جامعه‌ای که در آن اجرا می شود، مرزهایی برای محدودیت آزادی اندیشه و بیان در آن معین شده است تا این آزادی اندیشه و بیان به اصول مسلم دیگر آن قانون مثل مصلحت افراد، مصلحت عمومی، استقلال کشور و... ضربه نزند.

ممیزی و محدودیت های مرتبط با مطبوعات به عنوان ابزار نظارت همگانی، در کشورهای مختلف دارای مرزهای شناور است. خود این مرزها، از حساسیت اصل موضوع و ایجاد تعادل و توازن میان آزادی اندیشه و بیان، و تحقق اصل نظارت همگانی به عنوان یک حق عمومی و حفظ مصالح جمعی یک ملت حکایت دارد.

در این مقاله به این موضوع اشاره شده است که اولاً، اصل نظارت همگانی با چه ابزارهایی می‌تواند مؤثر واقع شود و کارکرد واقعی خود را به دست آورد . ثانیاً، آیا اصل ممیزی و محدودیت قانونی موجود در مطبوعات توانسته راه نظارت همگانی را هموار کند، یا برعکس در مقاطعی به سانسور اخبار و اطلاعات مورد نیاز که مرتبط با آگاهی عمومی می باشد، ختم شده است؟

[Downloaded from rdch.ir on 2026-01-30]

طبیعی است که در هر جامعه ای علاوه بر ابزارهای قانون گذاری، نوع نگاه مسئولین مربوطه و دستگاه‌های اجرایی و ترویج فرهنگ پاسخگویی، نقش مهمی در تحقق اصل نظارت همگانی دارد. مهم این است که اجزاء حاکمیت، این اصل قانونی را به عنوان یک حق عمومی به رسمیت بشناسند و خود را نسبت به آن متعهد بدانند؛ چرا که صرف تصویب قوانین به تنهایی نمی تواند به آزادی عمل مطبوعات و ایفاء نقش آنها، در آگاهی بخشی جامعه و اجرای نظارت کمک نماید.

«مونیک شیملیه» در این خصوص می گوید: «هر چند قوانین به نوبه ی خود از همین فراوانی برخوردارند و شالوده ی آزادی مطبوعات و آگاهی عمومی هستند، اما نوع نگاه دستگاه قضایی و اداری یک کشور است که کیفیت اثر بخشی قوانین و حرکت بر مبنای روح قانون را مشخص می‌کند؛ لذا اگر این دیدگاه ها در مورد آزادی مطبوعات محدود کننده باشد، اصل نظارت عمومی دچار خلل می‌شود؟» (شمیلیه،1387: 42).

این نکته ایست که در این پژوهشبدان توجه شده است تا به موازات بررسی قانونی آزادی مطبوعات و حدود آن، اثر بخشی قانون هم بر مخاطبان مورد توجه قرار گیرد.

مبانی نظری

1 نظریه آزادی بیان و حاکمیت[1]

«مونیکشمیلیه» در اثر«بشریت و حاکمیت‌ها» می‌نویسد:

«انسان از دیرباز در جستجوی آزادی بوده و ملت ها همواره به دنبال ابزاری برای نظارت بر حاکمیت‌ها بوده‌اند. فساد و انحراف حاکمیت ها، بزرگترین معضل تاریخ بشر و مانعی عظیم در مسیر تکامل او بوده است اما انسان مدرن، امروزه این فرصت را دارد که در سایه ی تحولات تکنولوژی، از رسانه های مکتوب و الکترونیکی ابزار نظارت استفاده کند . ممکن است دولت ها برای حفظ مصلحت عمومی، ناچار به تصویب محدودیت هایی در مورد رسانه ها شوند، اما روح

[1]The idea of freedom of expression and sovereignty

[Downloaded from rdch.ir on 2026-01-30]

کار باید برتری آزادی مطبوعات باشد و شهروندان فرصت نظارت بر حکام را پیدا کنند و این باید به عنوان یک اصل مطرح باشد نه یک فرع.» (همان: 49).

زمینه‌های تحول ذهنی، مردم معاصر را برای آگاهی و مسئولیت پذیری در سایه ی آزادی مطبوعات مورد بررسی قرار م ی‌دهد. «شمیلیه» با بررسی اجمالی جایگاه ممیزی در قانون چند کشور توسعه یافته، به بررسی تجربه ی آنها در بحث ممیزی مطبوعات می پردازد و در نهایت، این نظریه را ارائه می دهد که ممیزی ها باید واقعی و به دور از هر گونه ابهام و کلی گویی باشند تا مانعی فرا قانونی در سیر آزادی ایجاد نکنند.

2–نظریه سرمایه اجتماعی[۲]

به نظر «جیمزکلمن»، سرمایه‌ی اجتماعی مانند دیگر اشکالِ سرمایه‌ی مولد است و امکان دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبود آن دست یافتنی است، فراهم می‌آورد. «کلمن» سازمان اجتماعی را پدید آورنده ی سرمایه‌ی اجتماعی می داند و آن را با کارکردش تعریف می کند. از نگاه او سرمایه‌ی اجتماعی شیئی واحد نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند:1 –شامل جنبه‌ای از ساخت اجتماعی هستند. 2– کنش‌های معین کنشگران جمعی را که در درون ساختار هستند، تسهیل می کنند. سرمایه‌ی اجتماعی سبب می شود تا هزینه های دستیابی به اهداف معینی کاهش یابد؛ هدف‌هایی که در نبود سرمایه‌ی اجتماعی دستیابی به آنها، تنها با صرف هزینه‌های زیاد ممکن می شود. کلمن این گونه بر سودمندی سرمایه ی اجتماعی تأکید می ورزد: منبعی برای همکاری، روابط د و جانبه و توسعه اجتماعی . به اعتقاد کلمن عواملی که سبب گسترش سرمایه اجتماعی می‌شوند عبارتند از: کمک، ایدئولوژی، اطلاعات و هنجارها.

[۲] Social capital theory

[Downloaded from rdch.ir on 2026-01-30]

کمک : درخواست کمک افراد از یکدیگر ، مقدار سرمایه‌ی اجتماعی را بیشتر خواهد کرد. هرگاه عواملی مانند رفاه و فراوانی و کمک دولت سبب شود تا افراد نیازشان به یکدیگر کمتر شود، میزان سرمایه‌ی اجتماعی کمتر خواهد شد.

ایدئولوژی: اعتقاداتی مانند لزوم کمک به یکدیگر یا عمل به سود دیگریسبب پدید آمدن سرمایه‌ی اجتماعی می‌شود؛ از این رو، آن دسته از اعتقادات مذهبی که بر ضرورت کمک و عمل به نفع دیگران تأکید دارند، عامل مهمی در شکل گیری سرمایه‌ی اجتماعی هستند.

اطلاعات: از نظر کلمن یکی ازصورت‌های مهم سرمایه ی اجتماعی، ظرفیت بالقوه‌ی اطلاعات است که جزء ذاتی و جدایی ناپذیر روابط اجتماعی است . اهمیت اطلاعات در فراهم ساختن بنیانِ کنش است؛ اما به دست آوردن، هزینه دارد. ساده‌ترین چیزی که برای کسب اطلاعات لازم است، توجه می باشد که همیشه اندک است . یکی از ابزارهایی که از طریق آن می‌توان اطلاعاتحاصل کرد استفاده از روابط اجتماعی است؛ اطلاعاتی که از طریق این روابط حاصل می - شود کنش را تسهیل می‌بخشد.

هنجارها:اگر در درون گروه های اجتماعی هنجارهای مؤثر و نیرومندی وجود داشته باشد؛ مبنی بر اینکه فرد بایستی منافع شخصی خود را رها کند و به سود جمع عمل نماید، سرمایه‌ی اجتماعی شکل خواهد گرفت.

بیان مسئله

مطبوعات کشور ما، از قانون مطبوعات ایران که در سال 1354 تصویب شده است، پیروی می‌کنند. این قانون مبتنی بر تشریح حریم مطبوعات و اشاره به مواردیست که اصول پایه ای آزادی اندیشه و بیان را به رسمیت می شناسد. همچنین در این قانون به نقش مطبوعات در آگاهی بخشی و تعالی مردم اشاره شده است.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-01-30]

در همین قانون محدودیت‌هایی که مطبوعات ملزم به رعایت آن هستند، به طور کلی ارائه شده و برای این محدودیت ها ممیزی تعیین شده است. بسیاری از موارد که در قانون مطبوعات کشور ما آمده است، کلی بوده و راه را برای تفسیر و تا حدی سلیقه باز گذاشته است . اما می توان برداشت کرد که محدودیت آزادی و ممیزی مطبوعات در کشور ما بر پایه ی محدودیت آزادی قانونی در کشور است که شامل همه‌ی رسانه ها و احزاب می شود. این آزادی بر پایه ی رعایت اصول و منافع یک کشور قرار دا رد. با وجود این محدودیت ها، قانون اساسی بخش زیادی از این نظارت ـ نظارت بر دستگاه‌های حاکمیتی ـ را بر عهده‌ی نظارت همگانی می‌گذارد و از رسانه‌ها و مطبوعات به عنوان رکن آگاهی بخشی برای این نظارت یاد می‌کند.

قانون اساسی ایران، مشارکت جمعی، آگاهی عمومی و حق ان تقاد را به عنوان اصلی از حقوق ملت و حقی عمومی به رسمیت می شناسد و همین موضوع مسئولیتی سنگین را بر دوش مدیران، نمایندگان مجلس و قضات قرار می‌دهد تا جنبه‌های آگاهی بخشی مطبوعات را به عنوان یک حق عمومی در نظر بگیرند و از هرگونه اقدامی که به محدودیت قدرت مطبوع ات در عرضه یاطلاع رسانی و آگاهی بخشی ختم می‌شود، جلوگیری کنند.

آنچه که قابل توجه این مقاله است، بررسی این اثر بخشی توسط مطبوعات، و کیفیت رفتاری دستگاه‌های مرتبط با آن است تا مشخص شود محدودیت ها و ممیزهای قانونی عملکرد دستگاه - های حاکمیتی،تأثیری بر رسالت آگا هی بخشی و مطبوعات برای مردم به همراه داشته است یا خیر؟

اهمیت موضوع

«مونیک شیملیه» در کتاب «بشریت و حاکمیت‌ها» می‌نویسد:

«اثر بخش مطبوعات مستقل، با هیچ ابزار دیگری قابل جابجایی نیست . دولت حق دارد مطبوعاتی را برای گزارش عملکرد خود به مردم در اختیار داشته باشد، اما آنچه که اصل نظارت همگانی و مبارزه با فساد در یک کشور کمک می کند، آزادی عمل مطبوعات مستقل است . محدودیت‌ها و ممیزی بر مطبوعات، چالشی است که باید حاکمیت ها آن را حل کنند؛ زیرا آزادی اطلاعات

[Downloaded from rdch.ir on 2026-01-30]

ممکن است آسیب هایی به یک جامعه بزند؛ اما اثر آن در تولید مسئولیت پذیری مردمی و آگاهی بخشی چنان عمیق است که باید این آزادی مورد حمایت جدی قرار گیرد .» (شمیلیه،1387: 71).

از آنجا که کشور ما تجربه ی متفاوتی از آزادی مطبوعات دارد؛ بازنگری علمی، در کارایی و واقع گرایی ممیزی بر مطبوعات و نقش مطبوعات در آگاهی بخشی عمومی و اصل نظارت همگانی، موضوعی است که می تواند قابل توجه پژوهشگران قرار گیرد . هر چند در این مسیر تحقیق‌های مناسبی صورت گرفته است؛ اما وسعت و اهمیت موضوع و ابهام و خلأهای قانونی موجود در قانون مطبوعات کشور، ضرورت پژوهش‌های بدیع را در این حوزه آشکار می‌سازد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق چنین بوده است: بررسی تأثیر قانون ممیزی حاکم بر مطبوعات کشور، بر کیفیت نظارت همگانی.

اهداف فرعی این تحقیق عبارتنداز:

بررسی تأثیر قانون ممیزی حاکم بر مطبوعات کشور، بر مسئولیت پذیری شهروندان.

بررسی تأثیر قانون ممیزی حاکم بر مطبوعات کشور، بر میزان آگاهی شهروندان.

بررسی تأثیر قانون ممیزی حاکم بر مطبوعات کشور، برکیفیت مراجعات عمومی به نهادهای نظارتی به وسیله‌ی شهروندان. .

روش تحقیق و جامعه آماری

روش تحقیق در این پژوهش به صورت پیمایشی [3]بوده وازروش اسنادی [4] بنا به ماهیت پژوهشاستفاده شده است. اطلاعات و داده ها از گروه های مشابه و همسان و به شکلهدفمندجمع

[3] Survey [2] Materials and documents [3]Likert scale

[Downloaded from rdch.ir on 2026-01-30]

آوری شده و این داده ها در نهایت مورد تحلیل قرار گرفته است. در این روش نتایج برآمده از داده‌ها در جمعیت مورد بررسی، قابل تعمیم می‌باشد.

برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه استفاده شده است . محقق از پرسشنامه ی «شاخص توصیف آگاهی» استفاده نموده ومقیاس لیکرت[5] برای سنجش، مدنظرقرارگرفته است.

جامعه‌ی آماری این پژوهش شه روندان بندرعباسی است؛ شهروندانی که در طول 5 سال اخیر با مطبوعات محلی استان هرمزگان در ارتباط بوده و آن را مطالعه نموده اند. پرسشنامه‌ها در حجم نمونه142توزیع شده (n =142)؛ و روش نمونه گیری هدفمند بوده است . تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز بر اساس بسته‌ی نرم افزاریSPSS صورت گرفته است.

روایی پرسشنامه

روایی شکلی[6] و محتوای پرسشنامه مورد تأیید چندتن از اساتید علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور بوده است. پایایی پرسشنامه از طریق آلفایکروبناخ0/ 89 به دست آمده است.

تعریف مطبوعات

الف) از دیدگاه لغوی و اصطلاحی

«مطبوعات با توجه به ریشه ی لغوی آن (طبع و چاپ) به معنای هر چیزی که به زیور طبع آراسته شود به کار رفته است ؛ اما مطبوعات در مفهوم خاص و در معنای مصطلح امروزی ، به معنای کاغذ اخبار یا روزنامه و اقسام آن شامل هفته نامه، ماهنامه، فصلنامه و ... با خصوصیات چاپ ادواری و نام ثابت به‌کار رفته است.»(شیخ الاسلامی،21:1365).

ب) از دیدگاه قانونی

[6]Facevalidity

[2]Mass Media

[Downloaded from rdch.ir on 2026-01-30]

تا تصویب اولین قانون مطبوعات ایران در سال «1331»، مطبوعات در معنا و مفهوم عام خود به کار می‌رفت. در دومین قانون مطبوعات ضمن تعریف، آنرا در مفهوم خاص خود به کار بردند، پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز مطبوعات در مفهوم خاص خود به کار رفت. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با به کار بردن عنوان مطبوعات در کنار عناوینی نظیر رسانه های گروهی (در اصل 15) و یا نشریات (در اصل 24)، قصد استعمال مطبوعات در مفهوم خاص خود را داشته است (نشریات ادواری). در نتیجه، با این تفسیر به نظر می رسد مفهوم جرائم مطبوعاتی مندرج در اصل 168 قانون اساسی را نیز باید محدود به جرائم ارتکابی از ناحیه ی مطبوعات، در مفهوم اخص آن (نشریات ادواری) دانست.

جرم مطبوعاتی[7] چیست؟

«مطبوعات، تنها وسیله‌ی ارتکاب معدودی از جرائم می توانند باشند؛ به طور مثال، با مطبوعات نمی‌توان مرتکب قتل یا جرح یا سرقت یا تخریب شد ؛ ولی همین وسیله می تواند محرک اینگونه جرائم یا وسیله‌ی ارتکاب جرائم علیه شخصیت معنوی افراد یا امنیت کشور باشد.»(همان:25).

«تفکیک جرم مطبوعاتی از جرم عادی ، و سخت‌گیری بیشتر نسبت به آن، به دلیل قدرت ذاتی و تخریبی و خصیصه‌ی انتشار و تکثر و بقای اثر آن می باشد.از طرف دیگر، ارفاق به مطبوعات را باید به دلیل احترام به اصل آزادی بیان و آزادی انتشار مطبوعات و مصونیت اصحاب قلم دانست ، حمایت در مقابل هیئت حاکمه و نیز تخلفات احتمالی ناشی از خصیصه ی سرعت کار مطبوعاتی.»(همان: 29).

این قبض و بسط به این دلیل مهم است که جرم مطبوعاتی نسبت به جرائم عادی از تخفیف در مجازات و رسیدگی برخوردار می باشد. اینک ارتکاب هر جرم مصرح در قانون مجازات اسلامی و سایر مقررات جاری، مشروط بر اینکه مطبوعات ابزار و وسیله ی ارتکلب آن باشد جرم مطبوعاتی تلقی می‌شود.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-01-30]

تأکید قوانین اساسی عموم کشورها بر ممنوعیت سانسور

اهمیت جلوگیری از سانسور مطبوعات و رعایت ممیزی حداقلی، به حدی است که در اکثر قوانین اساسی دنیا ممنوعیت ممیزی در مندرجات روزنامه ها و مجله ها و کتاب ها تصریح شده است. برای آشنایی با چگونگی پیش بینی ممنوعیت سانسور از طریق قوانین اساسی، نمونه هایی از قوانین اساسی سایر کشورها ارائه می‌شود.

1 به موجب اصلاحیه‌ی قانون اساسی ایالات متحده ی امریکا مصوب «1791»، کنگره‌ی این کشور از وضع هر نوع قانونی که آزادی بیان مطبوعات را محدود کند، ممنوع شده است.

2 در فرانسه نیز به دنبال اعلامیه ی حقوق بشر و شهروند، انقلاب کبیر این کشور که ماده - ی11 آن آزادی بیان را گرانبهاترین حقوق انسانی شناخته بود؛ در بند دوم باب اول قانون اساسی 22 اگوست «1791»، تأکید گردیده که قانون اساسی، آزادی هر انسان را برای بیان، نگارش، چاپ و انتشار افکار خود به عنوان حقوقی طبیعی و مدنی تضمین می کند؛ بدون آنکه نوشته ها پیش از نشر آنها تحت هیچ گونه سانسور و بازرسی قرار گیرند . در اصل 122 قانون اساسی «1793» جمهوری فرانسه نیز چنین اعلام شده بود : «قانون اساسی، آزادی نامحدود مطبوعات را برای تمام فرانسوی‌ها تضمین می‌نماید».

3 در اصل 88 قانون اساسی دانمارک، همچنین در ماده ی72 قانون اساسی آیسلند،در عباراتی مشابه گفته شده است که : « ... سانسور و سایر اقدامات پیش گیرانه هرگز برقرار نخواهد شد.»

4 در کشورهای غربی که قانون اساسی جدید آنها پس از جنگ جهانی دوم تدوین شد نیز بر ممنوعیت سانسور تصریح شده است. ماده‌ی21 قانون اساسی جمهوری ایتالیا، پس از یادآوری حق آزادی بیان و اشاره به منع الزام روزنامه ها به کسب اجاز ه‌ی انتشار، تأکید کرده است: «... مطبوعات را نمی‌توان مورد سانسور قرار داد.».

[Downloaded from rdch.ir on 2026-01-30]

5 قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان هم در بند یکم ماده ی پنجم خود، ضمن شناسایی حق آزادی بیان و تضمین آزادی مطبوعات، اعلام داشته است که در این کشور «... هیچ گونه سانسوری وجود ندارد...».

6 در قانون اساسی ترقی خواهانه ی جدید جمهوری پرتغال نیز به موجب بند دوم ماده ی 37، تأکید گردیده است که «اعمال سانسور در هر شکل و هر نوع آن، برای جلوگیری و محدود کردن حق آزادی بیان و حق کسب اطلاعات ممنوع است».

7 به گفته ی حقوق دان «دکترحسینی نیکِ» حقوق دان، همواره در حقوق و علم جامعه شناسی اعتقاد بر این است که قانون گذار یک نهاد حکیم و مصلحت جو است و قانونی ظالمانه و یکطرفه وضع نمی کند. پس باید قانونی در حوزه ی ممیزی وجود داشته باشد که از اعمال سلیقه و برداشت جناح های فکری مختلف در وزارت ارشاد و نهادهای کنترل کننده پرهیز شود.

8 وی می‌افزاید: «روند قانونگذاری باید به‌طور کامل انجام شود؛ یعنی با بهره‌مندی از دانش و تجربه‌ی کارشناسان حوزه یمطبوعات از سوی دولت و مجلس و با همکاری ناشران، حقوقدانان و انجمن ها و نهادهای مرتبط، لایحه ای با عنوان «قانون جامع نشر» در مجلس شورای اسلامی مطرح شده و به تصویب برسد . در این شرایط شورای نگهبان، نمایندگان آحاد جامعه و تمامی قومیت ها می توانند نظرا تشان را اعلام کرده و در صورت توافق، قانونی جامع، کامل، محکم و لازم الاجرا تصویب شو د.» (حسینی نیک، 1386: 34).

9 این پژوهشگرِرسانه و پژوهنده ی حقوق مالکیت معنوی، در زمینه ی اعمال ممیزی قبل یا پس از چا پ نیز می‌گوید:«ممیزی در مطبوعات به دلیل نبود زمان کافی برای کاربرد مطالب، پس از چاپ اعمال می شود و قانونگذار از باب اضطرار چاره ای ندارد و باید پس از انتشار، محاکمه‌ی احتمالی را انجام دهد.» (همان: 35).

به گفته ی حقوق دان «دکترحسینی نیکِ» حقوق دان، همواره در حقوق و علم جامعه شناسی اعتقاد بر این است که قانونگذار یک نهاد حکیم و مصلحت جو است و قانونی ظالمانه و یکطرفه

[Downloaded from rdch.ir on 2026-01-30]

وضع نمی کند. پس باید قانونی در حوزه ی ممیزی وجود داشته باشد که از اعمال سلیقه و برداشت جناح‌های فکری مختلف در وزارت ارشاد و نهادهای کنترل‌کننده پره یز شود.

وی می افزاید: «روند قانونگذاری باید به طور کامل انجام شود ؛ یعنی با بهره مندی از دانش و تجربه‌ی کارشناسان حوزه‌یمطبوعات از سوی دولت و مجلس و با همکاری ناشران، حقوقدانان و انجمن‌ها و نهادهای مرتبط، لایحه‌ای با عنوان «قانون جامع نشر» در مجلس شورای اسلامی مطرح شده و به تصویب برسد. در این شرایط شورای نگهبان، نمایندگان آحاد جامعه و تمامی قومیت ها می‌توانند نظرا تشان را اعلام کرده و در صورت توافق، قانونی جامع، کامل، محکم و لازم الاجرا تصویب شود.» (حسینی نیک، 1386: 34).

این پژوهشگرِرسانه و پژوهنده‌ی حقوق مالکیت معنوی، در زمینه ی اعمال ممیزی قبل یا پس از چاپ نیز می‌گوید:«ممیزی در مطبوعات به دلیل نبود زمان کافی برای کاربرد مطالب ، پس از چاپ اعمال می شود و قانونگذار از باب اضطرار چاره ای ندارد و باید پس از انتشار ، محاکمه‌ی احتمالی را انجام دهد.» (همان: 35).

با اعطای حق نظارت به نهادهای صنفی و تأکید بر آن، علاوه بر اینکه بار سنگینی از دوش دولت برداشته می‌شود، به دلیل تخصص و گاه بی‌طرفی نهادهای صنفی آرای آنان از مقبولیت بیشتری در میان صاحبان آن حرفه برخوردار است ؛ برای مثال، همان‌گونه که حکم سازمان نظام پزشکی در مورد سهل انگاری و تخلّف یک پزشک در انجام وظایف حرفه ای، مقبولیت بیشتری از حکم یک قاضی در جامعه‌ی پزشکی دارد، داوری یک تشکّل صنفی خبرنگاری مبنی بر خروج یک خبرنگار از موازین حرفه ای پذیرش بیشتری در جامعه ی رسانه‌ای دارد تا قضاوت یک نهاد دولتی یا قضایی.

بنابر گزارش مک براید ، «شوراهای مطبوعاتی و رسانه ای» تقریباً در تمام مناطق دنیا وجود دارد . این شوراها که برای رسیدگی به موارد نقض اصول اخلاق حرفه ای به وجود آمده اند، تلاش می‌کنند تا میان شاکی و رسانه توافقی حاصل شود (و تا اندازه‌ی ممکن از قضایی شدن پرونده ها

[Downloaded from rdch.ir on 2026-01-30]

جلوگیری شود .) ترکیب اعضای این شوراها گرچه در کشورهای مختلف متفاوت است، اما «معمولاً احساس می شود که یک شورای مطبوعاتی باید از کنترل دولت، آزاد و شامل نمایندگان عامه و نیز مالکین رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران باشد.» (براید،1387: 44)

در مجموع باید گفت : «شوراهای مطبو عاتی و رسانه ای در ضمن اینکه به طور چشمگیر متفاوتند، به نظر می رسد دست کم مخرج مشترکی بین آنها وجود داشته باشد ؛ به این معنا که هرگاه رسانه‌ها خودشان در برپایی شوراها ابتکار عمل را به دست می گیرند، این شوراها به مثابه‌ی محاکم افتخاری، خود انضباطی عمل می کنند. این محاکم به وضوح محاکمی دموکراتیک هستند؛ یعنی همه‌ی اشخاص حرفه‌ای قواعد رفتار صنفی را که از سوی اکثریت وضع می شود، رعایت می‌کنند.» (همان: 48).

نظارت همگانی و همبستگی اجتماعی

یکی از نظریه پردازان ارتباطات اجتماعی، دامنه ی نظارت همگانی را در مطبوعات وسیع قلمداد کرده و شامل نظارت بر محیط پیرامون، همبستگی اجتماعی، محافظت و انتقال میراث فرهنگی می داند. «هارولدلاسول» می‌نویسد: «هنگامی که مردم ارزیابی درستی از وقایع نداشته باشند، قضاوت ها معمولاً احساسی و غیر قابل پیش بینی می شود. اما تقویت نظارت همگانی از طریق ایجاد نظارت مطبوعاتی و دادن آزادی عمل به مطبوعات، سبب می شود جامعه به مرحله ی قابل قبول از همبستگی اجتماعی برسد و وجدان جمعی در میان شهروندان زنده شود . نظارت بر محیط پیرامونی و محافظت از میراث گذشته ی اجتماعی، از اثرات تقویت نظارت مردمی در یک جامعه است و همین موضوع از تولید فساد اجتماعی جلوگیری می کند.»(لاسول، 1381: 63).

«هارولدلاسول» می‌نویسد: «ایجاد وحدت جمعی در میان یک ملت به ایجاد شهروندی پویا، فعال و مسئولیت پذیر ختم می شود. چنین شهروندی نه تنها بر محیط پیرامونی خود اشراف دارد، بلکه نسبت به سرنوشت آن حساس است . در هر جامعه ای احتمال انحراف و فساد است . فساد اداری در ادارات دولتی و فساد اقتصادی امریست که حتی پیشرفته ترین کشورهای جهان از آن

[Downloaded from rdch.ir on 2026-01-30]

مصون نیستند، اما هنگامی که یک وحدت جمعی و افکار عمومی فعال شکل بگیرد، می تواند اجزاء فساد را متلاشی کرده و احتمال وقوع آن را به حداقل برساند.»(همان: 65).

می‌توان نتیجه گرفت، در هر جامعه ای نظارت همگانی مکمل نظارت دولتی است . نظارت دولتی بر مبنای چارچوب های قانونی که در حیطه ی اختیارات بخش های نظارتی است، تحقق می یابد. چه بسا به دلیل نفوذ زیاد برخی از افراد که خود سر منشأ فساد اداری و اقتصادی هستند، در نهادهای اداری، دستگاه‌های نظارت قانونی نتوانند به موقع وارد عمل شوند یا به خوبی ابعاد فساد را آشکار سازند.

در این شرایط نظارت مردمی به عنوان مکمل نظارت قانونی وارد عمل می شود و ضمن افشای ابعاد فساد، با ایجاد فشار اجتماعی زمینه را برای دخالت دستگاه های نظارت قانونی فراهم می - کند.ضمن اینکه منبع دریافت خبر برخی از دستگاه های نظارت قانونی، برای مقابله با فساد اداری و اقتصادی گزارش های مردمی است؛ بدین صورت که نظارت مردمی به تولید گزارش مردمی ختم می‌شود و همین گزارش مردمی می تواند، به آغاز تحقیق و بررسی فساد اداری و اقتصادی در دستگاه‌های نظارت اداری و قضایی بینجامد.

نظارت همگانی و جلوگیری از فساد اداری و اقتصادی

«طباطبایی مؤتمنی » می‌نویسد: «مطبوعات منعکس کننده ی افکار عمومی اند؛ زیرا وقتی قلم ها شکسته شود، جریان آزاد اطلاعات و آگاهی قطع می شود و افکار عمومی توانایی خود را از درک و قضاوت درست مسائل و اتفاقات جامعه از دست می دهد و زمینه برای رشد خودکامگی و فساد فراهم می‌شود. مطبوعات در حکم چشم و گوش جامعه هستند؛ وقتی چشم و گوش بسته شود و اطلاع رسانی صحیح در میان نباشد، داوری د رست در مورد مسائل صورت نمی گیرد و از همین جا فساد شروع می‌شود.»(مؤتمنی، 1381: 104).

[Downloaded from rdch.ir on 2026-01-30]

«طباطبایی مؤتمنی» زمینه‌های فساد اداری و اقتصادی را چنین بر می‌شمرد:

«فساد شاخه های زیادی دارد، اما اگر از سوی نهادهای دولتی صورت گیرد و نهادینه شود، به قدرت ویرانگر عظیمی تبدیل می‌شود که هم منابع و سرمایه‌های اجتماعی را نابود می‌کند و هم سبب بی‌اعتمادی، سرخوردگی و بی‌انگیزگی شهروندان می‌شود. امروزه برای فسادهای اداری و اقتصادی شاخص‌هایی وجود دارد، همین طور که برای سلامت اداری و اقتصادی شاخص هایی وجود دارد؛ شفافیت، سرعت خدم ات به شهروندان، برابری در بهره‌وری از امکانات اقتصادی و اداری، فقدان فضایی برای رشوه گیری و رانت خواری شاخص‌هایی هستند که سلامت یا فساد اداری و اقتصادی را مشخص می کنند. تجربه نشان می‌دهد که فساد اداری و اقتصادی در سایه‌ی نفوذ در نهادهای اداری شکل می‌گیرد.» (همان: 88).

نظارت مطبوعاتی زمینه ساز نظارت همگانی

قانون اساسی ایران دو نوع نظارت را به رسمیت می شناسند: یک نوعنظارت قانونی است که به وسیله‌ی دستگاه‌های اداری مربوطه صورت می گیرد؛ ونوع دوم نظارت همگانی و مردمی است که در قالب مطبوعات و رسانه‌ها تحقق می‌یابد.

آزادی عمل مطبوعات و کاهش محدودیت ها و سلیقه ها در امر نظارت بر رسانه، قدرت نظارت مطبوعاتی را در کشور افزایش می‌دهد. آگاه سازی و انتقال صحیح اخبار بر پایه‌ی وقایع اجتماعی، به ایجاد افکار عمومی آگاه و مسئولیت پذیر در جامعه ختم می شود؛ همان افکار عمومی که می-تواند خواسته‌ی قانون اساسی را در خصوص نظارت همگانی و مردمی محقق سازد.

«محیط طباطبایی» اهمیت نظارت مطبوعاتی را در یک کشور چنین برمی‌شمرد:

1ـ نظارت مطبوعاتی زمانی ارزش دارد که معیارهای ممیزی و محدودیت ساز، در حداقل میزان خود باشد.

2 ـ اگر ممیزی بر مطبوعات مکتوب و رسانه ای قوی باشد، نمی توان به ارزش آفرینی مطبوعات در یک کشور امیدوار بود.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-01-30]

3ـ نظارت مطبوعاتی، فرهنگ پاسخگویی را در دولت و نهادهای اداری تقویت می‌کند.

4ـ نظارت مطبوعاتی، به افکار عمومی گزارش می دهد و افکار عمومی نسبت به قضایای پیرامونی خود حساس می‌شود.

5ـ حساسیت افکار عمومی، زمینه را برای مراجعه ی مردم به نهادهای نظارتی دولتی و نهادهای نظارتی مردمی فراهم می‌کند. فشار افکار عمومی تولید شده، خود عاملی بازدارنده برای جلوگیری از تولید فساد اداری، اقتصادی و سیاسی در کشور است.»(همان: 49).

نظارت مطبوعاتی سیر تحول بشر به سوی شهروند مسئولیت پذیر و واقع گرا را محقق می سازد. این گفتمان تفاوت میان انسان مدرن و غیر مدرن را مشخص می کند؛ زیرا در جامعه ی سنتی، انسان غیر مدرن منفعل و مطیع است؛ اما در جامعه ی توسعه یافته، شهروند دارای حقوق و خصوصیاتی است که یکی از این خصوصیات، حق مشارکت در سرنوشت از طریق نظارت همگانی است.

تعیین مؤلفه‌های جدول‌ها

در این تحقیق، پرسشنامه ها بر اساس مؤلفه هایی تنظیم شده که بر رابطه ی میزان مطالعه ی مطبوعات محلی و تقویت نظارت همگانی شهروندان هرمزگانی مؤثر بوده است . هریک از جدول‌ها به یکی از مؤلفه‌های اصلی اختصاص دارد. در هر یک از جدول‌ها میزان میانگین، خطای استاندارد، t و سطح معناداری محاسبه شده و در نهایت، بر اساس سطح معناداری، رابطه ی هر یک از مؤلفه‌ها بر نظارت همگانی شهروندان مورد ارزیابی قرار گرفته است.

مؤلفه هایی که در جداول این تحقیق بررسی شده‌اند عبارتند از:

1ـ دریافت اطلاعات مناسب :یکی از مؤلفه ها، بررسی این موضوع بوده که ممیزی حاکم بر مطبوعات محلی استان هرمزگان، چه رابطه ای با دریافت صحیح اطلاعات به وسیله ی مخاطبان داشته است.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-01-30]

2ـتحلیل درست وقایع : در بررسی این مؤلفه این موضوع قابل توجه بوده است که ممیزی مطبوعات، با تحلیل صحیح وقایع توسط خوانندگان چه رابطه‌ای دارد؟

3ـ اطمینان به صحت اخبار: اطمینان از صحت اخبار، در شرایط حاکمیت ممیزی بر مطبوعات محلی مورد بررسی قرار گرفته است.

4ـآگاهی از قوانین: در این مؤلفه بررسی شده است که آیا ممیزی مطبوعات با آگاهی مخاطبان از قوانین رابطه دارد؟

5ـ مراجعه به نهادهای نظارتی: در این مؤلفه بررسی شده است که ممیزی حاکم بر مطبوعات، با انگیزه‌ی شهروندان برای مراجعه به نهادهای نظارتی چه رابطه‌ای دارد؟

6ـ مراجعه به رسانه های غیر مکتوب : در این مؤلفه بررس‌ی شده است که ممیزی حاکم بر مطبوعات، با مراجعه به رسانه‌های غیر مکتوب چه رابطه‌ای دارد؟

یافته های استنباطی تحقیق

جدول 1: بررسی تأثیر ممیزی حداقلی مطبوعات بر دریافت صحیح اطلاعات جامعه از نظر خوانندگان مطبوعات محلی

مؤلفه	میانگین	خطای استاندارد	T	سطح معناداری
تحلیل درست وقایع	**3/14**	**0/175**	**0/455**	**0/000**

بر اساس جدول شماره «1»، میانگین میزان دریافت اطلاعات صحیح توسط خوانندگان مطبوعات محلی، چیزی بیشتر از حد متوسط قرار دارد. (3/14)

سطح معنا داری در این جدول نشان دهنده ی وجود رابطه است (P>0/000).خوانندگان مطبوعات محلی اعلام کرده‌اند، ممیزیحداقلی بر افزایش آگاهی اطلاعات صحیح آنها موثر بوده و هرگاه ممیزی بر مطبوعات محلی شدت یافته، دریافت اطلاعات صحیح با مشکل روبرو شده است.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-01-30]

جدول 2: بررسی تأثیر ممیزی حداقلی مطبوعات بر ارتقاء قدرت تحلیل وقایع از نظر خوانندگان مطبوعات محلی

مؤلفه	میانگین	خطای استاندارد	T	سطح معناداری
تحلیل درست وقایع	13/3	123/0	2271/	000/0

جدول شماره‌ی «2»، نشان دهنده‌ی میانگین متوسط مؤلفه‌ی موردنظر است (3/13). بر مبنای این جدول خوانندگان مطبوعات محلی، ممیزی را عاملی برای کاهش قدرت تحلیل خود نسبت به وقایع معرفی کرده اند. سطح معنا داری (P>0/000) نشان می دهد، میان ممیزی و کاهش تحلیل مخاطبان نسبت به قضایای پیرامونی رابطه هست.

جدول 3: بررسی تأثیر ممیزی حداقلی مطبوعات بر اطمینان عمومی نسبت به صحت اخبار از نظر خوانندگان مطبوعات محلی

مؤلفه	میانگین	خطای استاندارد	T	سطح معناداری
اطمینان به صحت اخبار	452/	007/0	2712/	001/0

در جدول شماره ی «3»، میانگین پایین تر از حد متوسط قراردارد (2/45).سطح معنا داری، رابطه‌ی میان اطمینان نسبت به صحت اخبار و ممیزی را به نحوی آشکار می سازد که مخاطبان این تحقیق،ممیزی حاکم بر مطبوعات را عامل کاهش اعتماد نسبت به صحت اخبار و واقعیت - گویی مطبوعات محلی ارزیابی کرده‌اند.

جدول 4: بررسی تأثیر ممیزی حداقلیمطبوعات بر آگاهی از قوانین و مقررات عمومی از نظر خوانندگان مطبوعات محلی

[Downloaded from rdch.ir on 2026-01-30]

مؤلفه	میان گین	خطای استاندارد	T	سطح معناداری
آگاهی از قوانین	093/	0/14	0621/	0/412

جدول شماره «4»، میانگین نزدیک به حد متوسط دارد (3/09). این جدول نشان می دهد قانون ممیزی رابطه‌ای با آگاهی مخاطبان با قوانین و مقررات نداشته است (P<0/412). تحقیق روی مخاطبان نشان می دهد که ممیزیحداقلی و آزادی مطبوعات، عامل تأثیر گذاری برای مراجعه‌ی مخاطبان به قوانین ومقررات، وآگاهی از این قوانین نبوده است.

جدول 5 : بررسی تأثیر ممیزی حداقلی مطبوعات بر مراجعه ی شهروندان به نهادهای نظارتی از نظر خوانندگان مطبوعات محلی

مؤلفه	میانگین	خطای استاندارد	T	سطح معناداری
مراجعه به نهادهای نظارتی	/113	0/079	9332/	/0720

در جدول شماره ی «5»، میانگین نزدیک به حد متوسط است (3/11).این جدول گویای فقدان رابطه در خصوص آزادی مطبوعات و مراجعه به نهادهای نظارتی برای نظارت مخاطبان است (P<0/072). مخاطبان اعلام کرده اند، ممیزی حداقلی مطبوعات انگیزه ای برای همکاری با نهادهای نظارتی، برای تقویت نظارت عمومی وهمگانی نبوده است.

جدول 6: بررسی تأثیر ممیزی حداقلی مطبوعات بر مراجعه‌ی شهروندان به رسانه‌های مجازی، جهت تکمیل نظارت عمومی از نظر خوانندگان مطبوعات محلی

مؤلفه	میانگین	خطای استاندارد	T	سطح معناداری
مراجعه به رسانه های	2/39	/0450	/1072	/0000

[Downloaded from rdch.ir on 2026-01-30]

مجازی				

در جدول شماره ی «6»، میانگین در حد پایین تر از متوسط قرار دارد (2/39). سطح معنا داری (P>0/000) گویای رابطه ی میان مؤلفه ی مورد نظر وافزایش آزادی مطبوعات است . هرچه قوانین ممیزی به سمت آزادی مطبوعات متمایل بوده، مخاطبان برای دریافت اطلاعات تکمیلی به دیگر رسانه‌های غیر مکتوب؛ مثل فضای مجازی مراجعه کرده اند و بُعد انگیزشی پیگیری صحت اخبار و دریافت کامل خبر برای آنها مهم بوده است.

جدول 7: میانگین رتبه بندی تأثیر ممیزی مطبوعات بر مؤلفه های عمومی شهروندان بر اساس نظر خوانندگان مطبوعات محلی

مؤلفه	میانگین رتبه بندی
دریافت اطلاعات مناسب	**3/14**
تحلیل درست وقایع	**3/13**
مراجعه به نهادهای نظارتی	**3/11**
آگاهی از قوانین و مقررات	**3/09**
اطمینان به صحت اخبار	**2/45**
مراجعه به رسانه‌های غیر مکتوب	**2/39**

نمودار 7/1: میانگین رتبه بندی تأثیر ممیزی مطبوعات محلی بر مؤلفه‌های نظارت عمومی

[Downloaded from rdch.ir on 2026-01-30]

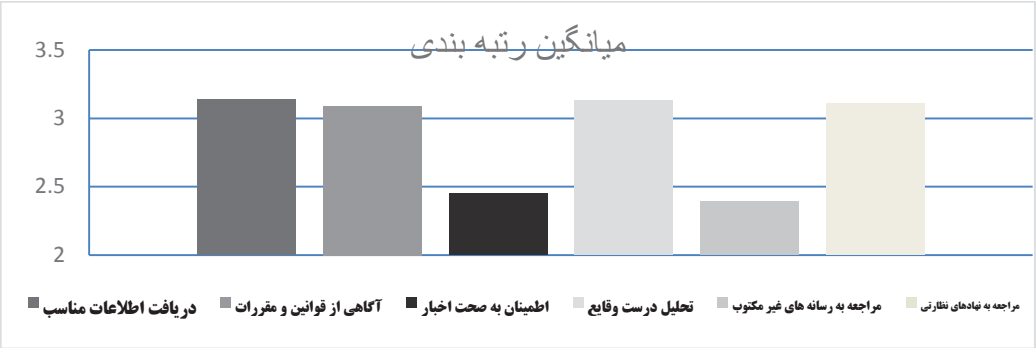

تحلیل جداول و داده ها

بررسی تطبیقی نظریه‌های علمی ارائه شده در این تحقیق با داده های آماری، گویای ارتباط میان این داده‌ها و نظریه های علمی در این پژوهش است . تئوری‌های سرمایه‌ی اجتماعی از ضرورت ایجاد اعتماد در سطح مخاطبان، برای رسیدن به اهداف بالاتر مثل انسجام اجتماعی حکایت می - کند.اصلاح و کارآمدی قوانین در این اعتمادسازی نقش مهمی دارد . طبق داده های جدول «2»، سطح معنا داری(P>0/000) می‌باشد وهرچه قوانین به آزادی عمل مطبوعات و آزادی اندیشه - ی مخاطبان نزدیک باشد،قدرت تحلیل افراد و اعتماد اجتماعی آنها در جامعه افزایش پیدا می کند. در این تحقیق قوانین مرتبط با ممیزی مطبوعات مورد بررسی قرار گرفت، همچنین مؤلفه هایی که از این قوانین متأثر هستند و بر آگاهی و اعتماد مخاطبان اثر می گذارند نیز به صورت آماری تحلیل شدند. داده‌های جدول «3»، سطح معناداری(P>0/001) رانشان می‌دهند.هرگاه توجه به قوانین آزادی مطبوعات و تصویب آن در داخل کشور، بر مبنای استاندارد شناخته شده در جهان بوده، این امر اعتماد اجتماعی را به همراه داشته است . اعتماد اجتماعی زمینه ای برای انسجام اج‌تماعی بوده و انسجام اجتماعی زمینه ای برای مسئولیت پذیری ونظارت عمومی همگانی در سطح جامعه شده است.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-01-30]

بر مبنای مؤلفه ی تعیین شده در جدول «1»، قانون ممیزی بر مطبوعات هرچند با واسطه بر نظارت همگانی مؤثر است؛ هرچه این قانون به آزادی مطبوعات و احترام حق انتخاب مخا طبان نزدیک‌تر بوده،اصل مسئولیت و نظارت همگانی بیشترشکل گرفته است (P>0/000).

بررسی مؤلفه‌ی جدول «6»، سطح معنا داری(P>0/000)را نشان می‌دهد و مشخص می‌شود که ممیزی مطبوعات در آگاهی تکمیلی مخاطبان مؤثر بوده است، و تشدید ممیزی عامل بازدارنده‌ای برای مراجعه‌ی رسانه‌های مجازی و برای پیگیری و تکمیل و اطمینان از صحت اخبار و وقایع و احساس مسئولیت نسبت به قضایای اجتماعی بوده است.

نتیجه گیری

با توجه به مطالب ارائه شده، می توان گفت که نظارت همگانیدر سالم سازی جامعه نقشی انکارناپذیر دارد . نظارت همگانی دارای ابعاد حقوقی است و درمتن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن اشاره شده است . نظارت همگانی دارای کارکرد مکملی است و کمک می کند تا نظارت قانونی و حاکمیتی بهتر محقق شود؛ لذا این نوع نظارت در قانون اساسی کشور ما مورد حمایت قرار گرفته است.

این تحقیق نشان می دهد که دست یابی به نظارت همگانی خود نیازمند پیش زمینه هایی است. کیفیت ممیزی مطبوعات، بر عوامل پایه ی مرتبط با مسئولیت پذیری اجتماعی مؤثر است و به طور مستقیم و غیر مستقیم بر کیفیت گردش آزادی اطلاعات تأثیر می گذارد. بررسی مخاطبان این پژوهش نشان می دهد که هر چه امکان آزادی گردش اطلاعات بیشتر باشد، افکار عمومی واقع گراتر و مسئولیت پذیرتر خواهد بود . در اینجا بحث ممیزی مطبوعات و سانسور و محدودیت - های قانونی حاکم بر مطبوعات مطرح است، و مهم ایجاد تعادل میان محدودیت های قانونی موجود و حفظ فضای آزاد بر مطبوعات است .در نتیجه، قوانین باید به سمتی حرکت کنند که امکان تعادل میان حفظ ارکان نظارتی دستگاه های دولتی و آزادی لازم برای ایجاد نظارت همگانی فراهم شود.

نتایج این پژوهش در استان هرمزگان نشان می دهد که نگاه حداقلی به ممیزی مطبوعات، نقش مهمی در مسئولیت پذیری و تقویت ابعاد نظارت مردمی دا رد. شاخص‌هایی چون تقویت

[Downloaded from rdch.ir on 2026-01-30]

همبستگی اجتماعی، ایجاد پیوند میان اقشار مختلف مردم، تقویت نظارت همگانی و احساس مسئولیت نسبت به قضایای محیطی، از آثار حاکمیت ممیزی حداقلی حاکم بر مطبوعات محلی استان هرمزگان است.

این تحقیق نشان می‌دهد، با توجه به شاخص‌های مورد نظر هر چه امکان گردش آزاد اطلاعات از سوی مطبوعات محلی بیشتر باشد و این مطبوعات نقش فعال تری در عرصه ی اطلاع رسانی ایفا نمایند، آگاهی عمومی مردم بیشتر می شود و نسبت به قضایای پیرامون خود با مسئولیت پذیری بیشتری برخورد می کنند. خروجی افزایش امکان نظارت عمومی و همگانی که در قانون اساسی ایران نیز به آن اشاره شده، عبارت است از : ایجاد فشار افکار عمومی برای جلوگیری یا محدود سازی امکان بروز فساد اداری و اقتصادی، در مدیریت اداری کشور.امری که می‌تواند میان نقش فعال مطبوعات و مسئولیت پذیری اجتماعی و تحقق هرچه بهتر نظارت همگانی پیوندی ایجاد نماید.

[Downloaded from rdch.ir on 2026-01-30]

منابع و مأخذ

آذرنگ، عبدالحسین (1389)،*«سانسور»*، رسانه مجلهٔ مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی، سال ششم، شماره‌ی دوم.

بدیعی، نعیم و قندی، حسین (1383)*روزنامه نگاری نوین*،تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

براتی، حسینعلی (1384)،*روانشناسی مطالعه*، تهران: انتشارات پیام علوی.

ذاکر، عبدالله(1383)، *«گاندی و اندیشه‌های روزنامه نگاری»*،رسانه مجلهٔ مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی، سال دوازدهم، شماره دوم.

شفیقی، محمد (1383)، *«جنگ در رسانه های آمریکا »*، رسانه مجلهٔ مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی، سال سیزدهم، شماره دوم.

معتمدنژاد، کاظم (1386)،*وسایل ارتباط جمعی*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

ـــــــــــــــ .(1386)، *«بازاندیشی نقش اجتماعی وسایل ارتباط جمعی »*، رسانهمجلهٔ مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی، شماره اول . میشل، فاوست (1386)، *آسیب‌های سانسور*، ترجمه بهروزبامداد، تهران: چند سویه.

http://www.rasanehiran.com/vdcht6nzd23nm.ft2.html
http://bonyadhomayoun.com/?p=822
http://ertebatat85.blogfa.com/post-57.aspx

[Downloaded from rdch.ir on 2026-01-30]